

# معرفة ديانت بهائي



دیانت بهائی یک دیانت  
جهانی است که هدفش اتحاد  
همه تژادها و مردم است.

"والذی جعله الله الدریاق الاعظم والسبب الاتم لصحته  
هو اتحاد من على الارض على امر واحد و شریعة واحد  
ة..."

( مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است : آنچه که  
خداوند آن را به عنوان داروی اعظم ( پادزهر ) و وسیله  
اتم برای بهبودی عالم مقرر فرموده اتحاد اهل ارض بر  
امر واحد و شریعت واحد است. )



- حضرت بهاءالله بما می آموزد که خداوند به ذاته برای ما قابل شتاسایی نیست. یعنی نباید تصاویری از او در ذهن خود به شکل یک بشر مجسم نماییم. بطور کلی هیچ آفریده ای نمی تواند آفریننده خود را بشناسد. برای مثال یک میز قادر نیست سازنده خود را که یک نجّار است بشناسد وجود نجّار برای اشیایی که می سازد ابدا قابل درک نیست.

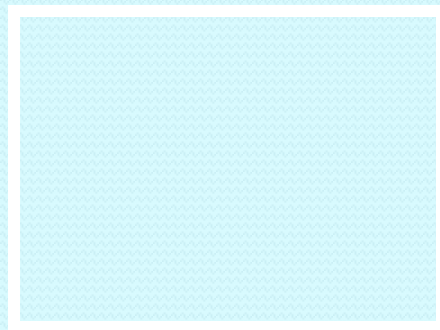


"يا ابن الانسان أحببت خلقك فاحببني كي اذكرک و في روح الحياة اثبتک"  
( مضمون بيان مبارک به فارسی چنين است : ای پسر انسان دوست داشتم خلق تو را پس خلق نمودم. مرا دوست بدار تا ذکر کنم تو را و در روح حیات ثابت بدارم.)





- بنابراین گر چه وجود پروردگار باریتعالی بسی دور از درک و فهم ما ست ولی عشق و محبت الهی همواره زندگی و وجود ما را تحت تأثیر قرار می دهد. این عشق و حبّ از طریق عهد و میثاق الهی در وجود ما جاری می شود.



حضرت بهاء الله میفرماید:

امروز روز فضل اعظم و فیض اکبر است باید کلّ  
بکمال اتحاد و اتفاق در ظلّ سدرِ ِ هِ عِنایت الهی  
ساکن و مستریح باشند."

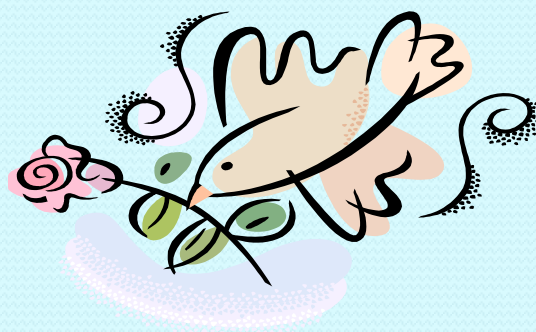
## هدف دیانت بهائی اتحاد نوع بشر است

- اگر چه هر یک از ما دارای طبیعت جسمانی و معنوی متفاوتی هستیم . گرچه دارای استعداد های گوناگون و شایستگی های مختلفی می باشیم، ولی همگی از یک اصل به وجود آمده ایم: همگی به یک خانواده بزرگ بشری تعلق داریم.

جامعه انسانی را می توان به یک گلستان بزرگ تشبیه نمود که گلهای مختلف با شکلهای، رنگها و عطری گوناگون، در کنار یکدیگر روئیده اند. زیبایی و جذابیت گلشن در تنوع گلهای آن است.



- به ما تعلیم داده شده هنگامی که فکر جنگ به خاطر آید با فکر قوی تر صلح مقابله کنیم. و زمانی که احساس نفرت در قلبمان نقش می بندد آن را با اندیشه قویتر محبت از بین ببریم.







● "حضرت بهاءالله دائره وحدت را ترسيم فرموده اند و طرحى براى وحدت مردمان و اجتماع ايشان در ظلّ سراپرده وحدت ارائه نموده اند و اين از عنايات الهى است. همه ما بايد با جان و دل بكوشيم تا حقيقت وحدت در بين ما جلوه نمايد و هر چه بكوشيم، قوت بيشترى نصيب ما خواهد شد." ( ترجمه )

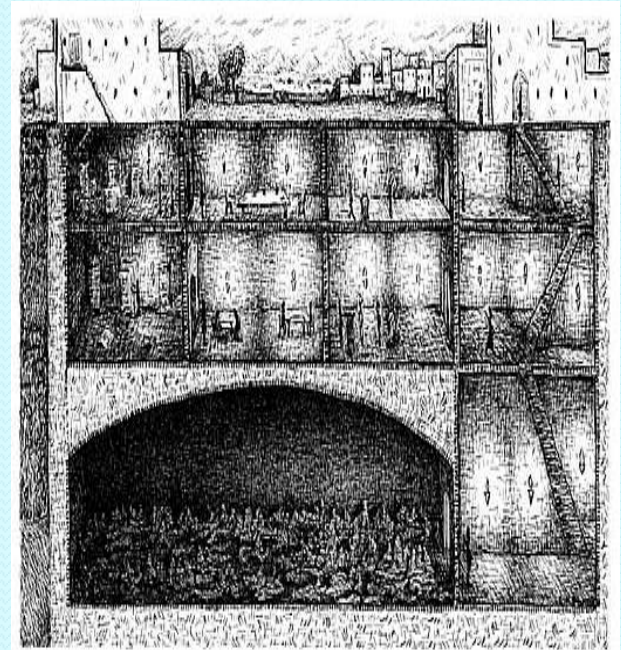
## شرح مختصری در باره حضرت بهاءالله

- حضرت بهاءالله در سال 1817 در طهران در پایتخت ایران متولد شدند. از اوان طفولیت آثار بزرگی از ایشان پدیدار بود. در منزل تعلیم مختصری دیدند ولی در هیچ مدرسه و مکتبی حضور نیافتند زیرا خداوند علم لدنی در ایشان به ودیعه گذاشته بودند.





SOUTHERN PART OF TIHRÁN WHERE CRIMINALS WERE HANGED AND WHERE MANY BAHÁ'Í MARTYRDOMS TOOK PLACE (MARK X INDICATES SITE OF THE SÍYĀH-CHÁL)





- "ثُمَّ ذَكَرَ أَيَّامِي فِي أَيَّامِكَ ثُمَّ كَرِيتِي وَ غَرِبَتِي فِي هَذَا السَّجْنِ الْبَعِيدِ وَ كُنْ مُسْتَقِيمًا فِي حَبِّي بِحَيْثُ لَنْ يَحْوَلَ قَلْبُكَ وَ لَوْ تَضْرَبُ بِسَيُوفِ الْأَعْدَاءِ وَ يَمْنَعُكَ كُلٌّ مِنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ."
- (مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: روزهای زندگی مرا در روزهایت و مشقاتی که بر من وارد گشته و غربتم را در این زندان دور به خاطر آور و در محبت من مستقیم و ثابت باش، تا جایی که قلبت ادنی تحوّل نپذیرد، اگر چه با شمشیرهای اعداء مضروب گردی و تمام اهل عالم بر منعت قیام کنند.)

● "قد قيّد جمال القدم لاطلاق العالم و حبس في الحصن الاعظم لعقّ العالمين و اختار لنفسه الأحران لسرور من في الاكون هذا من رحمة ربك الرّحمن الرّحيم. قد قبلنا الذلّة لعزّ كم والشّدائد لرخائكم يا ملأ الموحّدين. انّ الذي جاء لتعمير العالم قد اسكنه المشركون في اخبرب البلاد..."

- (مضمون بيان مبارک به فارسی چنین است: جمال قدم حبس و زندان را در سجن اعظم برای آزادی عالم و عالمیان قبول فرموده و بفضل و رحمت خود، حزن را بخاطر سرور جهانیان و ذلت را برای عزّت مردمان و شدّت را برای راحتی موحّدان اختیار کرده است و نیز میفرمایند که مشرکان کسی را که برای باز سازی عالم آمده در خراب ترین شهرهای جهان مسکن دادند.)





# حضرت باب مبشر دیانت بهائی







هزاران هزار از مردم پیام حضرت باب را قبول نموده و دستورات ایشان را پیروی نمودند.

دولت ایران و پیشوایان مقتدر دینی که بر توده مردم حکمرانی می کردند به مخالفت ایشان برخاستند پیروان آن حضرت مورد صدمه و آزار شدید قرار گرفتند و تعداد بیشماری از ایشان به قتل رسیدند. نفس مقدّس حضرت باب هم در سنّ 31 سالگی بوسیله سربازان ارتش به دستور دولت در حالی که در میدان عمومی شهر به ریسمان آویخته شده بودند تیرباران گردیدند.



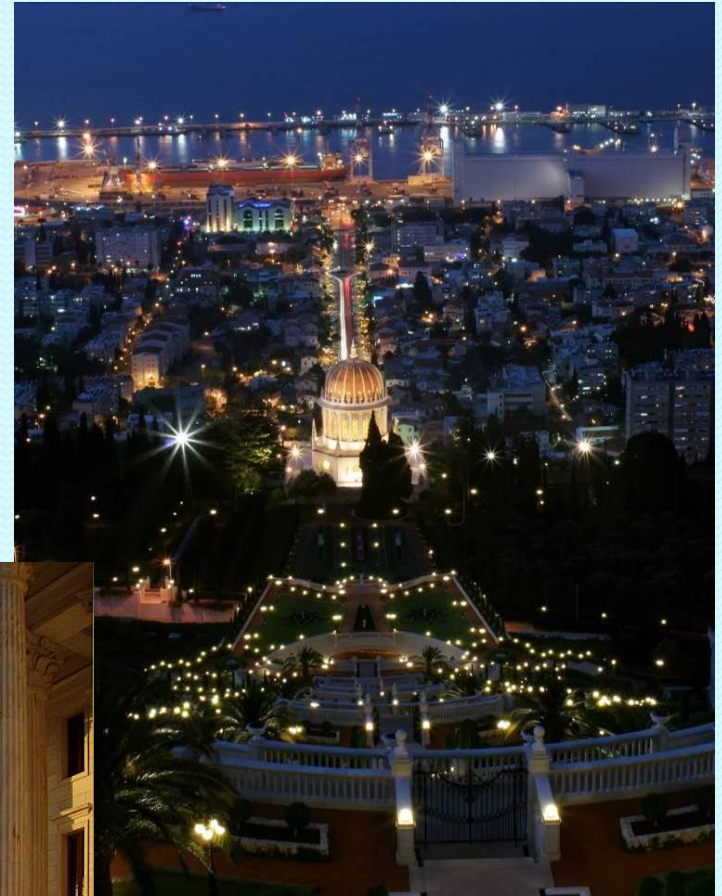
THE BARRACK-SQUARE IN TABRÍZ, WHERE THE BÁB SUFFERED MÁTYRDOM. PILLAR ON THE RIGHT MARKED X IS THE PLACE WHERE HE WAS SUSPENDED AND SHOT

"هل من مفرج غير الله قل سبحان الله هو الله  
كل عباد له و كل به امره قائمون"

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: گشاینده ای جز خداوند وجود ندارد همه بندگان او هستند و به امر او بر پا ایستاده اند)

"قل الله يكفى عن كلّ شئ ولا يكفى عن الله  
ربك من شئ لا فى السموات ولا فى الارض ولا ما بينهما  
انه كان علا ما كافياً قديراً..."

(مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: تنها خداوند است که همه چیز را از همه چیز بی نیاز می سازد و هیچ چیز در عالم وجود موجود نیست که از خداوند بی نیاز باشد.)



# حضرت عبدالبهاء ، مركز ميثاق

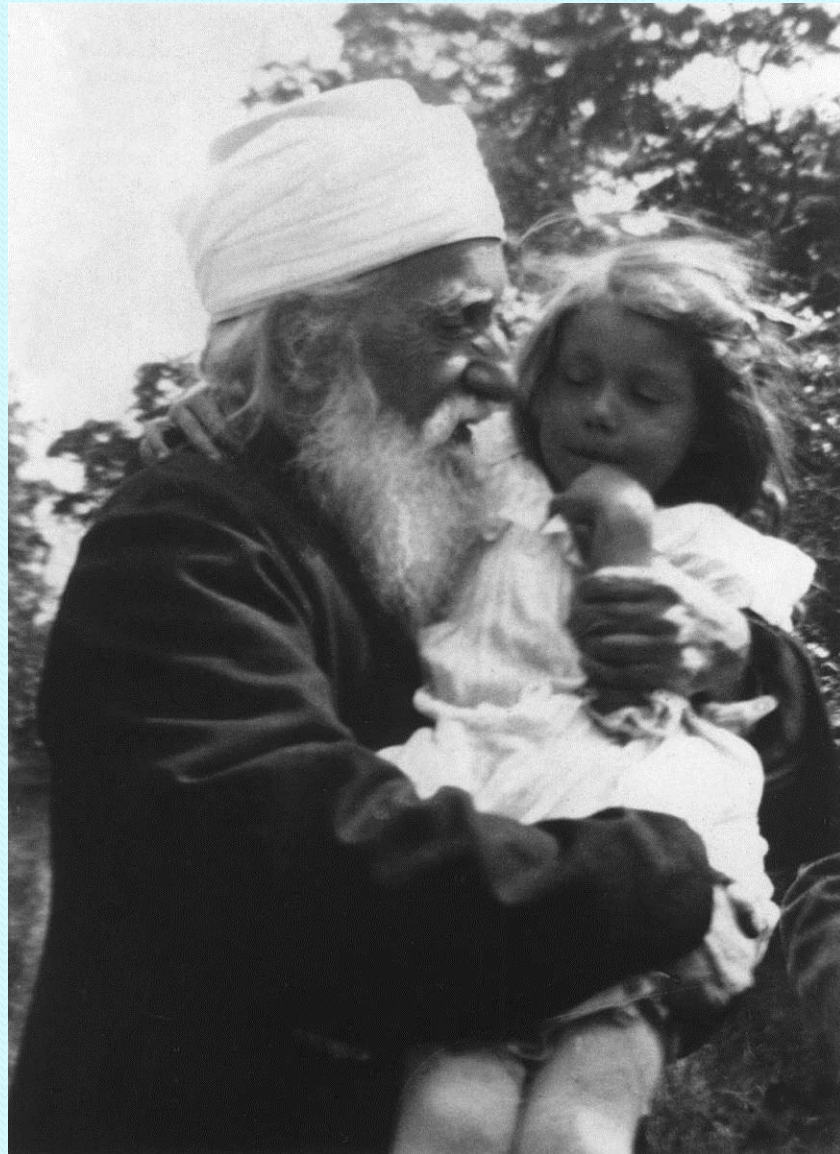


- حضرت بهاء الله دیانت خویش را با ایجاد قوه عهد و میثاق در برابر چنین انشعاباتی محافظت فرمودند. ایشان قبل از صعود، به روشنی و وضوح کتباً مرقوم فرمودند که بعد از ایشان تمام احبّاء باید به حضرت عبدالبهاء رجوع نمایند. بنا بر این، حضرت عبدالبهاء فرزند ارشد ایشان بعنوان تنها مبین آیات و مرکز عهد و پیمان الهی منصوب شدند.
- حضرت عبدالبهاء در این دنیای فانی 77 سال زندگی کردند. ایشان در همان شب اظهار امر حضرت باب در سال 1844 متولد گردیدند و در نوامبر سال 1921 صعود فرمودند. حیات آن حضرت مملو از مصائب بود اما هر نفسی که به حضورشان مشرف می شد به او شادی و سرور بی منتهی عنایت می کردند. پس از صعود پدر ارجمند، مسؤولیت اداره جامعه بهائی بر دوش ایشان افتاد و آن حضرت شب و روز همشان انتشار امرالله در شرق و غرب عالم بود. حضرت عبدالبهاء هزاران لوح به افراد و
- گروه های گوناگون در نقاط مختلفه نوشتند و به دور و نزدیک ارسال داشتند و در آنها تعالیم حضرت بهاء الله را توضیح داده و روشن فرمودند. تبیینات آن حضرت هم اکنون از اساسی ترین قسمت از آثار مبارکه بهائی می باشد.



Abdu'l-Bahá with children in Chicago







حضرت شوقى افندى ، ولى امرالله



مقر بيت العدل اعظم الهى

# احکام و قوانینی که مظاهر الهی برای بشر می آورند.

"انّ اوامری سرج عنایتی بین عبادی و مفاتیح  
رحمتی لبریتی"

- (مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: بدرستیکه  
اوامر من چراغهای عنایت منند بین بندگان و کلیدهای  
رحمت من برای آفریدگان من.)

"ان اعملوا حدودی حباً لجمالی"

- (مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: احکام مرا به  
خاطر محبت جمال من عمل کنید.)





## نماز صغیر

- "اشهد یا الهی بآنک خلقتنی لعرفانک و عبادتک اشهد فی هذاالحین بعجزی و قوتک و ضعفی و اقتدارک و فقری و غنائک لا اله الا انت المهیمن القیوم."
- (مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: ای خدای من گواهی می دهم که تو مرا برای شناسائی خودت خلق کردی در این هنگام من به عجز خود و قوت تو و ضعف خود و اقتدار تو و فقر خود و بی نیازی تو گواهی می دهم. نیست خدایی جز تو که مهیمن و قیوم هستی.)

• "ای رفیق عرش بد مشنو و بد مبین و خود را ذلیل مکن و عویل برمیاری. یعنی بد مگو تا نشنوی و عیب مردم را بزرگ بدان تا عیب تو بزرگ ننماید و ذلّت نفسی میپسند تا ذلّت تو چهره نگشاید. پس با دل پاک و قلب ظاهر و صدر مقدّس و خاطر منزّه در ایّام عمر خود که اقلّ از آنی محسوبست فارغ باش تا بفراغت از این جسد فانی به فردوس معانی راجع شوی و در ملکوت باقی مقرّ یابی."

- "یا ابن الرّوح خلقتک غنیّا کیف تفتقرُ و صنعتک عزیزاً بم تستذل و من جوهر العلم اظهرتک لم تستعلم عن دونی و من طین الحبّ عجتک کیف تشتعل بگیری فارّج البصر الیک لتجدنی فیک قائماً قادراً مقتدرّاً قیوماً."
- (مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: ای پسر روح تو را بی نیاز آفریدم ، چه گونه است که خود را محتاج می نمایی، تو را عزیز آفریدم به چه سبب طلب ذلّت می کنی. تو را از جوهر علم ظاهر ساختم ، چرا از غیر من طلب علم می نمایی تو را از خاک محبّت سرشتم، چگونه خود را به غیر من مشغول می سازی ، پس چشم را بگشای و خود را بنگر تا مرا در وجود خویش قائم ، قادر ، مقتدر و قیوم یابی.)





- "اول تكليف ياران الهى و اماء رحمانى آن است كه (باى وجه كان) در تربيت و تعليم اطفال از ذكور و اناث كوشند و دختران مانند پسرانند ابدأ فرقى نيست جهل هر دو مذموم و نادانى هر دو نوع مبعوض . و هل يستوى الذين يعلمون والذين لا يعلمون."

## سه نوع شرکت کننده : فرد، جامعه، تشکیلات اداری



فرد – اولین شرکت کننده، فرد بهائیت. وظیفه این فرد است که در عهد و میثاق الهی ثابت قدم باشد، و روزانه نهایت کوشش نماید تا زندگی خود را با تعالیم حضرت بهاءالله تطبیق دهد. در خدمت جامعه انسانی بکوشد و همواره بیاد داشته باشد که زندگی انسان با مرگ پایان نمی پذیرد بلکه رابطه انسان با آفریدگار ابدی است. پس از مرگ روحمان آزاد می شود و پیشرفت خود را به سوی خدا تا الی الابد ادامه می دهد.





- دومین شرکت کننده جامعه است. انسان برای تنها زیستن خلق نشده است. ما در جامعه زندگی می کنیم و باید با یکدیگر همکاری کنیم تا مدنیت جدیدی را بسازیم. نزدیکترین جامعه به ما جامعه محلی است که متشکل از بهائیان شهر و یا قریه ماست. در این جامعه محلی است که یاد میگیریم با یکدیگر همکاری کنیم، با یکدیگر پیشرفت کنیم و متحد شویم.



- دومین شرکت کننده جامعه است. انسان برای تنها زیستن خلق نشده است. ما در جامعه زندگی می کنیم و باید با یکدیگر همکاری کنیم تا مدنیت جدیدی را بسازیم. نزدیکترین جامعه به ما جامعه محلی است که متشکل از بهائیان شهر و یا قریه ماست در این جامعه محلی است که یاد میگیریم با یکدیگر همکاری کنیم، با یکدیگر پیشرفت کنیم و متحد شویم.
- بیت العدل اعظم به ما می فرماید که، مؤسسات امری سومین شرکت کننده در بنای تمدن نوین جهانی می باشد.
- حضرت بهاءالله نظم اداری آئین بهائی را معرفی نمودند و این به این معناست که فرموده اند، چه نوع مؤسساتی را باید تأسیس کنیم، چگونه باید این مؤسسات کار کنند و چگونه جامعه بشری باید اداره گردد.
- در امر بهائی، کشیش یا آخوند وجود ندارد و محفل روحانی محلی است که امور جامعه خود را اداره می نماید و مراقب سعادت و رفاه افراد و پیروان جامعه می باشد.

"هو الله ای خداوند مهربان این دل را از هر تعلقی فارغ نما و این جان را به هر بشارتی شادمانی بخش. از قید آشنا و بیگانه آزاد کن و به محبت خویش گرفتار نما تا به کلی شیدای تو گردم و دیوانه تو، جز تو نخواهم و جز تو نجویم و به غیر از راه تو نپیویم و بجز راز تو نگویم مانند مرغ سحر در دام محبت تو گرفتار گردم و شب و روز بنالم و بزارم و بگویم یا بهاء الابهی ع ع"

### یا ابن الروح

- فی اول القول املک قلباً جیداً حسناً منیراً  
لتملک ملکاً دائماً باقیاً از لاقدیماً.
- (مضمون فارسی: ای پسر روح نخستین گفتار این است: قلبی پاک و مهربان و روشن داشته باش تا بتوانی ملک دائمی ابدی ازلی بی انتهایی را مالک شوی.)

### یا ابن الوجود

- أحببني لأحبك. إن لم تحبني لن أحبک أبداً  
فاعرف يا عبد.
- (مضمون فارسی: ای پسر وجود دوستم بدار تا دوستت بدارم. پس بدان ای بنده اگر به من مهر نورزی، هرگز مهر من به تو نخواهد رسید.)